

Investigating the Role of Public Attitude Toward the Police in Their Social Security Perception (Case Study: Citizens of Kermanshah City)

I. Amin. Akbari*

1. Assistant Professor, Department of Sociology. University of Payame Noor, Tehran, Iran

Email: a.akbary@pnu.ac.ir | Received: 01.01.2023 | Acceptance: 18.10.2023

*Journal of
Social-Political Studies of
Iran's Culture and History*

eISSN: 2980-9770
<http://journalspsich.com>
Vol. 2, No 4, Pp: 333-353
Winter 2023

Original research article

How to Cite This Article:

Akbari, M. (2023). Investigating the Role of Public Attitude Toward the Police in Their Social Security Perception (Case Study: Citizens of Kermanshah City), *psich*, 2(4): 333-353.



© 2023 by the authors. License Iran-Mehr: The Institute for Social Study and Research, Tehran, Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0 license) (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>)

Abstract

The presence of security fosters a sense of social security among individuals in society, and it is evident that one of the primary entities responsible for providing this security is the police force, which directly influences the creation of security and the sense of security. Therefore, the aim of this article is to examine the status of public attitude toward the police and its role in their social security perception. This research is applied in nature and employs a survey method. The data collection technique is a questionnaire, and the statistical population consists of the citizens of Kermanshah City. The sampling method is cluster sampling. For data analysis, SPSS software version 26 was used, and Pearson's statistic was employed to test the hypotheses. There is a statistically significant relationship between public attitude indices and the sense of security. The statistic values for the variables are as follows: trust in the police, -0.432; satisfaction with police performance, -0.497; police accessibility, -0.401; police responsiveness, -0.383; and general attitude, -0.512. In any country, the police are one of the most important pillars of ensuring social security for the people. The better the police perform this role, the better the public attitude toward the police will be. A preliminary condition for this is a community-oriented police force, and this improved attitude leads to the reproduction of the sense of social security. Therefore, a cycle is formed in which they mutually benefit each other.

Keywords: social security, public attitude, access speed, responsiveness, satisfaction with performance.

بررسی نقش نگرش مردم به پلیس در احساس امنیت اجتماعی آنها (مطالعه موردی شهروندان شهر کرمانشاه)

امین اکبری*1

1. استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

a.akbary@pnu.ac.ir

پذیرش: 1402/07/26 | ایمیل نویسنده مسئول:

دریافت: 1401/10/11

فصلنامه علمی

مطالعات سیاسی-اجتماعی
تاریخ و فرهنگ ایران

شاپا (الکترونیکی): 9770-2980
<http://journalspsich.com>
دوره 2 | شماره 4 | صص 333-353
زمستان 1402

نوع مقاله: پژوهشی

به این مقاله به شکل زیر استناد کنید

درون متن

(اکبری، 1402)

در فهرست منابع

اکبری، امین. (1402). بررسی نقش نگرش مردم به پلیس در احساس امنیت اجتماعی آنها (مطالعه موردی شهروندان شهر کرمانشاه). مطالعات سیاسی-اجتماعی تاریخ و فرهنگ ایران، 2(4): 333-353.

چکیده

وجود امنیت باعث شکلگیری احساس امنیت اجتماعی در میان افراد جامعه می‌گردد و بدیهی است که یکی از متولیان اصلی تأمین آن، نیروی پلیس است که مستقیماً بر ایجاد امنیت و احساس امنیت نقش دارد. بنابراین هدف این مقاله بررسی وضعیت نگرش مردم به پلیس و نقش آن در احساس امنیت اجتماعی آنها است. پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش، پیمایشی است. تکنیک گردآوری داده‌ها، پرسشنامه و جامعه آماری، شهروندان شهر کرمانشاه هستند. روش نمونه‌گیری، نمونه‌گیری خوشه‌ای است. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از نرم افزار SPSS نسخه 26 و برای رد و تأیید فرضیات از آماره پیرسون استفاده شده است. بین شاخص‌های نگرش عمومی و احساس امنیت رابطه معنادار آماری وجود دارد. مقدار آماره برای متغیر اعتماد به پلیس $0/432$ ؛ رضایت از عملکرد پلیس $0/497$ ؛ دسترسی پذیری پلیس $0/401$ ؛ پاسخگویی پلیس $0/383$ ؛ و نگرش عمومی $0/512$ است. در هر کشوری پلیس یکی از مهمترین ارکان تأمین امنیت اجتماعی مردم است. هر چه پلیس این نقش خود را بهتر به انجام برساند، مردم یک جامعه نگرش بهتری به پلیس خواهند داشت و شرط مقدماتی آن، جامعه محور بودن پلیس است و همین نگرش بهتر، باعث بازتولید احساس امنیت اجتماعی می‌گردد، بنابراین چرخه‌ای شکل می‌گیرد که در یک رابطه متقابل همدیگر را منتفع می‌کنند.

کلیدواژه‌ها: امنیت اجتماعی، نگرش عمومی، سرعت دسترسی، پاسخگویی، رضایت از عملکرد.

مقدمه و بیان مسئله

مفهوم امنیت اجتماعی یکی از اساسی‌ترین نیازهای جامعه بشری و از مؤلفه‌های مهم کیفیت زندگی در شهرها است و شماری از آسیب‌های مختلف اجتماعی، پیامد نبود یا ضعف آن، محسوب می‌شود. بدیهی است لازمه پیشرفت و توسعه در هر جامعه‌ای، تأمین امنیت و آرامش برای مردم و شهروندان است. در سایه‌ی امنیت و اطمینان خاطر از نبود تهدید است که استعدادها زمینه شکوفایی پیدا می‌کنند و جامعه روند صحیح تکامل خود را در پیش می‌گیرد. عواملی که امنیت را تهدید می‌کنند، در عصر امروز روزافزون است و لاجرم باید برای مقابله با این تهدیدها و آسیب‌ها، تمهیداتی اندیشید.

بدیهی است امنیت^۱ کامل و مطلق، فقط در آرمانشهرها وجود دارد و در دنیای واقعی نمی‌توان امنیتی کامل برقرار کرد. با این حال سعی دولت‌مردان، نظام مدیریت شهری و پژوهشگران در هر جامعه‌ای همواره بر آن بوده است که راه‌های دستیابی به امنیت نسبی را برای شهروندان جستجو نموده و موانع موجود را شناسایی و برطرف نمایند.

بنابراین با توجه به آن‌چه در اهمیت امنیت اجتماعی آورده شد، پرداختن به این مسأله، به ویژه در کلانشهرها، از اهمیت بسیاری برخوردار است، به ویژه آن‌که چنین شهرهایی رشد شتابانی را طی سال‌های اخیر تجربه کرده‌اند و مسأله ناامنی امری شایع و اجتناب ناپذیر است. ناگفته پیداست قبل از مقابله و قبل از هر اقدامی باید موضوع تهدید به درستی مورد بررسی و شناسایی قرار گیرد و عواملی که به آن دامن می‌زنند، تبیین شوند. به عبارت دیگر قدم اول بررسی چگونگی و چرایی مسأله و آسیب شناسی آن است و به تبع آن باید به دنبال راه‌کارهایی گشت برای حل این معضل اجتماعی. امنیت در معنای عینی یعنی فقدان تهدید نسبت به ارزش‌های کسب شده و در معنای ذهنی یعنی فقدان هراس از این‌که ارزش‌های مزبور مورد حمله قرار گیرد (بوزان، 1378: 32). به علاوه امنیت یکی از پایه‌های اساسی نظم اجتماعی در هر جامعه‌ای محسوب می‌شود که در صورت خدشه‌دار شدن، نظم اجتماعی یک جامعه نیز تهدید می‌شود، بنابراین می‌توان امنیت اجتماعی را دارای بعد سیاسی نیز دانست. مفهوم امنیت اجتماعی و احساس ناشی از آن در پی توسعه تحلیل‌های جدید امنیتی و پس از جنگ سرد در اروپا مطرح شد. این مفهوم نخست به عنوان یک رویکرد مفهومی به وسیله گروه مستقلی از محققان در مؤسسه تحقیقات صلح کپنهاگ توسعه پیدا کرده و به صورت توان یک جامعه برای حفاظت از هویت گروهی‌شان در مقابل تهدیدات واقعی یا فرضی تعریف شده است (ویور، 1993).

¹ - Security

امنیت خود دربرگیرنده دو بعد ایجابی (احساس رضایت، آرامش و اطمینان خاطر شهروندان) و سلبی (نبود ترس و وحشت، تهدید و اجبار) است و از حقوق اساسی مردم محسوب می‌شود. بنابراین یکی از وظایف مهم و رسالت سازمان‌ها و ارگان‌های مختلف از جمله نیروی انتظامی، اهتمام به این مقوله است. بدیهی است نیروی پلیس از متولیان اصلی تأمین امنیت در هر جامعه‌ای است و لازمه موفقیت پلیس، عدم شکاف میان نیروهای پلیس و مردم است. اگر در جامعه‌ای بین مردم و نیروهای پلیس شکاف وجود داشته باشد و اعتماد عمومی نسبت به پلیس پایین باشد و این دو نگاهی قهری نسبت به هم داشته باشند، تأمین امنیت به چالش کشیده می‌شود، کما اینکه در جامعه ایران سابقاً به واسطه وجود نظامهای استبدادی، نگرشی سنتی در اذهان مردم نسبت به پلیس تکوین یافته که پلیس را صرفاً ابزاری برای سرکوب می‌دانسته تا تأمین امنیت. لازمه تغییر کامل چنین نگرشی، تقویت یک پلیس جامعه محور است تا مردم و پلیس همدیگر را از آن هم و برای هم بدانند. پلیس جامعه‌محور جوهره امور پلیس بوده و مفهومی است که از بسیاری جنبه‌ها نیاز به تعریف دارد، اما گسترده‌ترین دامنه، جوهره و عصاره امور پلیس را شامل می‌شود و آن عبارت است از نوعی ارتباط بین عموم مردم و سازمان پلیس به عنوان نمایندگان مردم که موجب ارتقاء جامعه می‌شود (اورتمایر و میس، 1385: 407). پلیس جامعه‌محور یک روش مدیریتی و یک راهبرد سازمانی است که همه عوامل پلیس را در بر می‌گیرد تا شیوه‌های مؤثر حل مشکل و مشارکت پلیس و جامعه را ارتقاء بخشد. پلیس جامعه‌محور، شیوه‌های جدید به کارگیری پلیس، تجدیدحیات جامعه، حل مشکل، گرایش خدمت‌گزاری به مردم و کسب مشروعیت پلیس از طریق جلب اعتماد عمومی را داراست. این رویکرد مشارکت ضابطین قانون و جامعه را در شناسایی مشکلات و ریشه‌یابی آنان و پیدا کردن راه‌حلهایی که مشکل را به طور دائم از بین برده و یا کاهش می‌دهد، بر می‌انگیزد (تروبانوویچ، 1383: 3). برای رسیدن به چنین مقصودی در حد مطلوب، در قدم اول شناسایی و تعیین وضعیت نگرش مردم به پلیس ضروری است. در قدم دوم سعی این پژوهش بر آن است که نقش نگرش مردم به پلیس را در وضعیت احساس امنیت آن‌ها در شهر کرمانشاه مورد مطالعه و کندوکاو قرار دهد. استان کرمانشاه از یک طرف به واسطه قرارگیری در مرز غربی و همجواری با کشور ناآرام عراق به سبب تحولات در دهه‌های اخیر، می‌تواند بالقوه از ناامنی رنج ببرد، از طرف دیگر حجم زیادی از تبه‌کاری‌ها، جرائم، شرارت‌ها، اعتیاد و بسیاری از آسیب‌ها و مسائل اجتماعی دیگر، باعث وارد آمدن خدشه بر امنیت اجتماعی شده است. به علاوه سیزده محله از محلات شهر کرمانشاه جزء مناطق حاشیه‌نشین و غیررسمی محسوب می‌شوند و جمعیت نسبتاً زیادی از شهر کرمانشاه را به خود اختصاص داده است. این امر با توجه به ماهیت آسیب‌پذیری این محلات، می‌تواند زمینه‌ای برای شکل‌گیری ناامنی فراهم سازد و از آنجا که متولی اصلی تأمین این امر مهم پلیس است لذا این

مقاله در صدد آن است که در شهر کرمانشاه، وضعیت نگرش عمومی به پلیس را بررسی نموده و تأثیر آن را بر احساس امنیت اجتماعی مردم بسنجد.

مبانی نظری پژوهش و پیشینه تجربی تحقیق

در سال 1991 برای اولین بار باری بوزان¹ در حوزه سیاسی از واژه امنیت اجتماعی استفاده کرد و آن را به منزله یکی از ابعاد پنجگانه امنیت در نظر گرفت. او جامعه را زمینه‌ای برای امنیت اجتماعی می‌داند که قادر است امنیت دولت را تهدید نماید (براوچ و دیگران، 2005: 8). از نظر بوزان امنیت ملی از چند بخش اساسی تشکیل می‌شود که یکی از آن‌ها امنیت اجتماعی است. دیگر بخش‌ها عبارتند از بخش نظامی، بخش محیط زیست، بخش اقتصادی و بخش سیاسی، و بدین‌گونه میان امنیت ملی و امنیت اجتماعی ارتباط برقرار می‌کند (بوزان و دیگران، 1998: 95). به زعم او امنیت اجتماعی توانایی گروه‌های مختلف صنفی، قومی، محلی، جنسی و ... در حفظ هستی و هویت خود است (همان: 42). بوزان گرچه تا اوایل دهه‌ی 90 میلادی دیدگاهی دولت‌محور داشت و بر مرجعیت دولت در مطالعات دولت تأکید می‌کرد، اما بعد از آن از این موضع خود خارج شد و از آن پس دولت و جامعه را در کنار هم به عنوان مرجع امنیت در نظر گرفت. از نظر او چه بسا تهدیدات امنیت اجتماعی زمانی روی دهد که جوامع به این نتیجه رسیده باشند که در شرایطی خاص هویت «ما» مورد تعرض و خطر قرار گرفته است. عواملی که هویت یک جامعه را می‌توانند تهدید کنند، ممکن است از سرکوب آزادی بیان تا مداخله در قابلیت‌های آن برای ابراز و بیان خود تنوع داشته باشند. از نظر بوزان این عوامل ممکن است دربرگیرنده‌ی این عناصر باشد: ممنوعیت به‌کارگیری زبان، نام‌ها، لباس‌ها از طریق بستن مکان‌های آموزشی و دینی و یا تبعید و کشتار اعضای یک اجتماع. او امنیت اجتماعی را به حفظ مجموعه ویژگی‌هایی می‌داند که بر مبنای آن افراد خود را عضو یک گروه خاص اجتماعی تلقی کرده‌اند. به عبارت دیگر امنیت اجتماعی معطوف به جنبه‌هایی از زندگی شخص است که هویت او را تضمین می‌کند. از دیدگاه بوزان امنیت اجتماعی یعنی توانایی گروه‌های مختلف صنفی، قومی، محلی، جنسی و ... در حفظ هستی و هویت خود. بوزان معتقد است جوامع با مقوله‌ی «هویت» بسیار اساسی برخورد می‌کند، از نظر او مقوله کلیدی و مهم جامعه، هویت است. یعنی آن دسته از عقاید و اعمالی که افراد را به عنوان اعضای جامعه خاص معرفی می‌کند (بنی فاطمه و دیگران، 1395: 31).

آل ویور² از دیگر نظریه‌پردازان مکتب کپنهاگ، موضوع امنیت دولت و امنیت اجتماعی را از هم تفکیک می‌کند و مسأله امنیت اجتماعی را همسو با نظر باری بوزان، هویت می‌داند. اگرچه رویکرد

1 - Barry Buzan

2 - Ole Waever

آنان عمدتاً توضیح پدیده مهاجرت بیگانگان به داخل کشورهای اروپایی است و تغییرات زبانی، قومی، نژادی، مذهبی، آداب و رسوم و حتی نظام‌های سیاسی را کانون توجه خود قرار داده، اما بار سیاسی مفهوم کماکان حفظ شده است (ویور، 1993: 17-40). او معتقد است امنیت اجتماعی توانایی جامعه برای حفظ ارزش‌های اساسی‌اش بر شرایط تغییر و تهدیدات واقعی و محتمل است. بنابراین در شرایط پدید آمده، احساس امنیت، از خود امنیت مهم‌تر است، زیرا کنشگران در انجام کنش با مراجعه به ذهنیت روانشناختی و تاریخی خود به تصمیم‌گیری و انجام کنش می‌پردازند، از این رو احساس آن‌ها از فضای کنش، نقش مهم و بنیادی را در تصمیم‌گیری ایفاء می‌کند، زیرا رابطه‌ی بین ساختارهای عینی (امنیت) و صورت‌های ذهنی (احساس امنیت) مبنای تصمیم‌گیری افراد است (کلمنتس، 1384: 53). ویور مفهومی را مطرح می‌کند به نام «امنیت ساخته و پرداخته شده در اجتماع»، و معتقد است باید با رویکردی جامعه‌شناسانه به مفهوم امنیت نگریسته شود و پس از تحلیل مبانی جامعه‌شناسی امنیت، به تعریف آن همت گماشت. بر این اساس ویور حوزه امنیت را بر حسب نوعی دوگانگی امنیت دولتی و امنیت اجتماعی در نظر می‌گیرد و یادآور می‌شود که افراد جامعه نمی‌توانند نسبت به چیزهایی که امنیت و هویتشان را تهدید می‌کند احساس مسؤولیت نداشته باشند و آن‌ها را تنها به دولت واگذار کنند. بدین ترتیب ویور و بوزان بر لزوم مشارکت افراد در تأمین امنیت اجتماعی خود و جامعه صحنه می‌گذارند.

از نظر بیورن مالر¹ امنیت ابعاد مختلف و شاخص‌ها و معیارهای گوناگونی دارد. یک تقسیم‌بندی امنیت بر اساس شاخص مرجع امنیت است، یعنی با تشخیص مرجع امنیت، موضوع آن را مشخص می‌کنیم. به عنوان مثال اگر مرجع امنیت فرد باشد می‌گوییم موضوع امنیت فردی است. معیار و شاخص دیگر تعیین مفهوم امنیت، ارزش‌هایی است که در معرض خطر قرار گرفته است. مانند ارزش‌های موجود در امنیت ملی، استقلال، تمامیت ارضی و دفاع از سرزمین. هرگاه این ارزش‌ها به خطر بیفتند امنیت ملی به خطر افتاده است. لذا تعریف هر بعد از امنیت به مرجع و موضوعی اشاره دارد که امنیت با آن مرتبط است. مثلاً وقتی می‌خواهیم امنیت فردی را تعریف و ماهیت آن را تبیین کنیم، به فرد و ارزش‌های مورد تهدید آن یعنی جان، سلامتی، حریم خصوصی و سایر متعلقات ارزشمند مورد نظر فرد اشاره داریم. پس امنیت فردی شامل حفظ و مصون نگهداشتن جان، مال، حریم خصوصی و دیگر ارزش‌های مهم افراد است و ناامنی فردی شامل تهدید علیه جان، مال، سلامتی افراد و حریم خصوصی آن‌هاست. اما این که چه چیزی تهدید امنیتی محسوب می‌شود، بستگی به تعریف و مفهوم امنیت از نظر ما دارد. امنیت می‌تواند مراجع متعدد و گوناگون داشته

1 - Bjorn Moller

باشد. مانند کشور، گروه‌های اجتماعی، افراد و محیط زیست که معمولاً پسوند ملی، اجتماعی، انسانی و زیست محیطی دارند؛ لذا ارزش‌های در معرض خطر از یک طبقه و از یک مرجع به مرجع دیگر متفاوت است و تهدیدات علیه آن‌ها می‌تواند از منابع مختلف و به اشکال مختلف باشد. بر این اساس می‌توان طبق جدول فوق یکی از طبقه‌بندی‌های امنیت را با توجه به مرجع و منبع تهدید ترسیم کرد (مالر، 2005: 9).

جدول 1. انواع امنیت از نظر مالر (مالر، 2005: 9)

عنوان	مرجع امنیت	ارزش‌های در معرض خطر	منابع تهدید	شکل تهدید
امنیت ملی	کشور یا رژیم	استقلال، حاکمیت ملی	کشورها و بازیگران فرعی	تهاجم نظامی
امنیت انسانی	افراد، بشریت	بقاء و کیفیت زندگی	کشورها و بلایای طبیعی	قتل، جنگ، فقر، جرم
امنیت محیط زیست	اکوسیستم	بقاء زندگی	بشریت	آلودگی، گرمای زمین، تخریب محیط زیست
امنیت اجتماعی	ملت‌ها، گروه‌های اجتماعی	هویت، وحدت، هنجارها	کشورها، فرهنگ‌های بیگانه	پاکسازی قومی، جنوساید، تبعیض نژادی

میران میتار¹، یکی دیگر از اندیشمندان مکتب کپنهاگ، با تکیه بر نظریه آنارشی اجتماعی بیلی²، از یک مدل سیستماتیک برای ارزیابی امنیت اجتماعی استفاده می‌کند. میتار سعی دارد مسائل جامعه را بر اساس سطوح متفاوت - فرد، گروه، سازمان، اجتماع، جامعه، و سیستم فراملی؛ تحلیل کند و از آنارشی به جای تعادل به عنوان وسیله‌ای برای اندازه‌گیری وضعیت‌های مختلف نظام استفاده کند. او بنا به پایبندی‌اش به نظریه آنارشی اجتماعی بیلی و در راستای تکمیل آن، متغیر انحراف را وارد معادله‌ی امنیت اجتماعی می‌کند. متغیر انحراف شامل همه پدیده‌های اجتماعی و فردی ناخواسته و مضر مانند صورت‌های مختلف و متنوع جرم، آسیب‌های اجتماعی، جنگ‌های داخلی و بین‌المللی و حوادث طبیعی و تکنیکی مختلف است (میتار، 1996: 7).

1 - Miran Mitar

2 - Bailey

صاحب‌نظرانی که نظریه‌های آن‌ها مورد واکاوی واقع شد از مهمترین نظریه پردازانی هستند که در زمینه امنیت اجتماعی قلم فرسایی کرده‌اند. این نوشتار در ادامه به مهمترین تعاریفی که از دو متغیر امنیت اجتماعی و نگرش عمومی به پلیس به عنوان متغیرهای وابسته و مستقل ارائه شده، می‌پردازد:

امنیت اجتماعی¹:

امنیت از نظر وولفرز² در معنای عینی آن فقدان تهدید در برابر ارزش‌های کسب شده است. از یکسو وسیله و از سوی دیگر هدف است (روشندل، 1374: 16). جان مورس³ نیز امنیت را رهایی نسبی از تهدیدهای زیان بخش و تضمین رفاه آتی می‌داند (ربیعی، 1383: 10). اما امنیت اجتماعی به معنای احساس آرامش و اطمینان خاطر و فقدان اضطراب و ترس است (گیدنز، 1378: 119). احساس امنیت نیز عبارت است از نوعی ذهنیت و جهت‌گیری روانی مثبت (رضایت بخش، قانع کننده و آرامش بخش) شهروندان نسبت به عدم تأثیرگذاری حضور و بروز رویدادها و وقایع ضد امنیتی (تهدیدات) در شرایط فعلی و آتی، در حوزه‌های امنیت اجتماعی، ثبات سیاسی، انسجام هویتی، یکپارچگی و امنیت سرزمین (حاجیان، 1384: 28).

نگرش عمومی به پلیس⁴

نگرش، ویژگی ذهنی افراد است که مشخصات دنیای اجتماعی و فیزیکی را در خود دارد و از راه تجربه کسب می‌شود و نتیجه یادگیری و آموزش است (ستوده، 1380: 147). به عبارت دیگر نگرش عبارت است از سازمان پایدار فرایندهای انگیزشی، عاطفی، ادراکی و شناختی در ارتباط با برخی از جنبه‌های دنیای فرد (کریمی، 1388). در تعریفی دیگر نگرش ترکیبی از باورها و هیجان‌هایی است که شخص را پیشاپیش آماده می‌کند تا به دیگران، اشیاء و یا گروه‌های مختلف به شیوه‌ی مثبت یا منفی نگاه کند (پاشا شریفی، 1381: 413). این‌ها تعاریفی هستند که از مفهوم نگرش به عمل آمده است اما نگرش عمومی به پلیس، عبارت است از نحوه‌ی قضاوت افراد و میزان اعتقاد و اعتماد شهروندان به پلیس و کارایی آن در جامعه که می‌تواند در ذهن مردم ناشی از اعمال و ظاهر پلیس نیز باشد (صدیق سروستانی و قهرمانی، 1381: 42). نگرش عمومی به پلیس از مؤلفه‌هایی تشکیل شده است: اعتماد به پلیس، عملکرد پلیس، دسترسی پذیری پلیس و پاسخگویی پلیس. در ارتباط با متغیر امنیت اجتماعی تحقیقات مختلفی انجام شده که تعدادی از این موارد به عنوان پیشینه‌ی تجربی تحقیق، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

1 - Societal Security

2 - Wolfers

3 - John Moores

4 - public attitude towards the police

بیات و بهرامی (1388)، در پژوهشی با عنوان «پلیس در آینه نگرش شهروندان» در پی تبیین عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر نحوه نگرش به نیروی انتظامی در شهر تهران بودند. نتایج به دست آمده از آزمون‌های آماری حاکی از آن بود که از میان 3 متغیر مستقل رضایتمندی، اعتماد و احساس امنیت، متغیرهای رضایتمندی و احساس امنیت بر نحوه نگرش به عملکرد نیروی انتظامی تأثیر معنادار و مثبت دارند و رابطه اعتماد و نگرش معنادار نیست.

طاهری و همکاران (1391)، در پژوهشی «رابطه میان نقش پلیس و احساس امنیت در شهر اصفهان» را مورد ارزیابی قرار داده‌اند. بر اساس یافته‌های پژوهش آن‌ها، وجود رابطه مثبت و معنادار بین نقش پلیس با احساس امنیت اجتماعی شهروندان اصفهانی تأیید شده است. متغیر نقش پلیس در تحقیق آن‌ها در سه بعد جدیت پلیس، عملکرد پلیس و توانایی پلیس بوده است که بعد جدیت پلیس با بعد فکری احساس امنیت، بعد عملکرد پلیس با بعد امنیت مالی و بعد توانایی پلیس با بعد احساس امنیت جمعی دارای رابطه معناداری بوده است. یافته‌های پژوهش نائب پور و همکاران (1393) نشان می‌دهد که بین نقش پلیس و احساس امنیت در بین شهروندان شهر دهگلان رابطه معناداری وجود دارد. همچنین، بین سه شیوه (توانایی، عملکرد، جدیت) پلیس و احساس امنیت اجتماعی شهروندان رابطه معناداری وجود دارد. به علاوه عملکرد پلیس، توانایی و جدیت به ترتیب بیشترین تأثیر را بر احساس امنیت اجتماعی شهروندان دارند.

گلشن فومنی و همکاران (1394)، به «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر نگرش عمومی به پلیس در بین شهروندان 18 تا 70 ساله شهر تهران» در سال 1393 پرداخته است. گلشن به این نتیجه رسیده است که متغیرهای مشارکت اجتماعی، امنیت اجتماعی، کنترل اجتماعی و اعتماد اجتماعی بیشترین تأثیر را بر متغیر نگرش به پلیس داشته‌اند. زیاری و همکاران (1401) در پژوهشی با عنوان «الگوی امنیت اجتماعی در شهرهای قومیتی» که در شهر رامهرمز انجام یافته، به این نتیجه رسیده‌اند که فرهنگ قومیت گرایی، سرمایه‌های اجتماعی، امنیت حقوقی و حقوق شهروندی، نزاع قومیتی و اشتغال مهمترین عوامل تأثیرگذار در کاهش امنیت اجتماعی هستند و بهره‌گیری از ظرفیتهای موجود و کاهش موانع در زمینه‌های اجتماعی خصوصاً تقویت سرمایه اجتماعی، تخصص گرایی و کاهش نفوذ و اثرگذاری اقوام خاص، مشارکت اجتماعی، توسعه و گسترش ارزش‌ها و هنجارها به جای عرف، توسعه عدالت اجتماعی در جهت مقابله با به حاشیه رفتن برخی اقوام، می‌تواند موجب ارتقای امنیت اجتماعی در شهر رامهرمز شود. در نهایت این تحقیق با تأکید بر دیدگاه ساختگرایی، پذیرش قومیت گرایی فرهنگی و بسیج قومی را به جای ذوب کردن اقوام، اجتناب از تقسیم کار فرهنگی و تقویت سرمایه‌های اجتماعی را به عنوان مهمترین عوامل در افزایش امنیت اجتماعی شهر مطرح کرده است.

افرا (1402) در تحقیقی با عنوان «فراتحلیل عوامل مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی زنان» با بکارگیری استراتژی فراتحلیل از میان 55 مقاله منتشر شده در پایگاه‌های اطلاعاتی در سال‌های 1390-1399 به این نتیجه رسیده که در گام نخست، یافته‌ها حکایت از عدم سوگیری انتشار و ناهمگنی اندازه اثر مطالعات دارد. در مرحله دوم، ضریب اندازه اثر و نقش تعدیل‌گری متغیر قومیت ارزیابی شدند. اندازه اثر مشارکت اجتماعی، تعلق مذهبی، حمایت اجتماعی، شبکه روابط اجتماعی، عملکرد پلیس، هویت اجتماعی، انسجام اجتماعی و اعتماد اجتماعی با احساس امنیت اجتماعی زنان معنادار و برحسب نظام تفسیری کوهن با تأثیری در حد متوسط ارزیابی شدند. از تحقیقات خارجی نیز می‌توان نمونه‌هایی را از سراسر دنیا یافت که به سبب اهمیت امنیت اجتماعی انجام شده است:

لاینداستورم¹ و همکاران (2003) در تحقیقی به «بررسی نقش سرمایه اجتماعی بر احساس ناامنی در محله» دست زدند. جامعه آماری آن‌ها افراد 20 تا 80 سال شهر مالمو در کشور سوئد بودند که روی 5600 پاسخگو انجام شده است. نتایج نشان داد که عوامل محله‌ای 7/2 درصد از کل واریانس احساس ناامنی را تبیین می‌کند. این تأثیر با وارد کردن عوامل فردی در مدل کاهش یافته و به 0/7 درصد رسید. در نهایت با حذف عوامل فردی - سرمایه اجتماعی با توجه به مشارکت در انتخابات سنجیده شد و توانست تا حد زیادی احساس ناامنی افراد را تبیین کند. لوبووا و متانی (2004)، در پژوهشی با عنوان «فضای شهری و امنیت: رسیدگی ایمنی برای زنان» به اهمیت امنیت جانی به عنوان یکی از ابعاد امنیت اجتماعی پرداخته و به این نتیجه رسیدند که ترس از قربانی شدن، رفتار و حالات را در فضای عمومی شهری تغییر می‌دهد و این اثرات بر روی زنان و گروه‌های آسیب پذیرتر اجتماعی و اقتصادی شدیدتر است. اثراتی که فعالیت‌های آنان را محدود می‌کند و این مسأله فرصت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آنان را محدود کرده و کاهش می‌دهد.

مک کی (2005)، از نظریه پردازان امنیت اقتصاد محور در کتابی با عنوان «آینده سیاست امنیت اجتماعی» به اهمیت مؤلفه اقتصادی در تأمین امنیت اجتماعی اشاره می‌کند و از درآمد پایه شهروندان به عنوان یک فرصت ارزشمند برای نشان دادن تغییر شکل امنیت اجتماعی در آینده کشورهای سرمایه‌داری یاد می‌کند. او امنیت اجتماعی را در گرو تضمین حداقل درآمد هر شهروند دانسته و معتقد است توانمندی اقتصادی افراد گامی مؤثر در جهت تأمین عدالت و امنیت اجتماعی خواهد بود.

¹ - lindestorm

میدلی و تانگ (2008)، در کتابی با عنوان «امنیت اجتماعی، اقتصاد و توسعه» به نقش مهم و تأثیرگذار عوامل اقتصادی بر امنیت اجتماعی اشاره می‌کنند. آنان معتقدند که میان امنیت اجتماعی و اقتصاد رابطه معنادار وجود دارد. این دو محقق در پژوهش‌هایی که در این زمینه در 8 کشور افریقای جنوبی، شیلی، چین، ایالات متحده آمریکا، کره جنوبی، انگلستان، نروژ و هند انجام داده‌اند نتیجه می‌گیرند امکانات اقتصادی و مالی هر فرد در جامعه بر میزان احساس امنیت اجتماعی او تأثیرگذار است. بدین معنی که هر چه فرد به لحاظ درآمدی و مالی شرایط بهتری داشته باشد، احساس امنیت اجتماعی بیشتری را تجربه می‌کند. جیسوس¹ و همکاران (2010) پژوهشی تحت عنوان «ارتباط بین محیط اجتماعی و احساس امنیت محله: پیامدهای سلامت» انجام داده است. محقق از نظریه‌های مانزو²، کوهن³، یونگ⁴ استفاده کرده است. در این مطالعه ارتباط بین شبکه‌های اجتماعی، حمایت اجتماعی، همبستگی اجتماعی و احساس امنیت محله در میان یک نمونه از ساکنانی که در خانه‌های عمومی کم‌درآمد در بوستون، ماساچوست زندگی می‌کنند، مورد بررسی قرار گرفت. حمایت اجتماعی یک متغیر پیش‌بینی کننده‌ی معنی‌دار برای احساس امنیت نبود. موارد پژوهشی فوق، تحقیقاتی بودند که در داخل و خارج از کشور از زوایای مختلف به مطالعه امنیت اجتماعی پرداخته‌اند. مبنای این تحقیقات بر اساس نظریه‌های نظریه-پردازان مختلفی است که اندیشه‌های آن‌ها مورد بررسی قرار گرفت.

روش‌شناسی

روشی که برای این پژوهش در نظر گرفته شده، روش پیمایشی⁵ است. پیمایش عبارت است از گردآوری اطلاعات که با طرح و نقشه به عنوان راهنمای عملی توصیف یا پیش‌بینی و یا به منظور تجزیه و تحلیل روابط بین برخی از متغیرها صورت می‌گیرد. مزیت پیمایش بر روش‌های دیگر در کارآمدی و قدرت توصیف مناسب ویژگی واحدهای تحلیل و مقایسه دقیق خصوصیات آن‌ها به کمک استنباطات علی است (دواس، 1376). دلیل انتخاب این روش گستردگی جامعه آماری و کسب نتایج دقیق درباره یک شهر نسبتاً بزرگ می‌باشد. با توجه به این که شیوه مسلط گردآوری اطلاعات

1- Jesus

2- Manzo

3- Cohen

4- Young

5 - Survey

در تحقیقات پیمایشی، پرسشنامه است (دواس، 1376، بیکر، 1377)، تکنیکی که برای جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته، پرسشنامه¹ است. جامعه‌ی آماری این تحقیق کلیه شهروندان 20 تا 75 ساله شهر کرمانشاه است. با توجه به گستردگی میزان جامعه آماری و عدم امکان دسترسی به همه‌ی اعضای جامعه، باید تعدادی از افراد که معرف جامعه کل باشند به عنوان حجم نمونه انتخاب شود که بر اساس جدول نمونه‌گیری کرجسی و مورگان تعداد نمونه 383 نفر است که برای کاهش ضریب خطا این تعداد به 400 نفر افزایش یافته است. در این تحقیق از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای با احتمال متناسب با حجم² (پی پی اس) استفاده می‌شود. هرگاه خوشه‌هایی که قرار است از آن‌ها نمونه‌گیری شود، دارای حجم‌های کاملاً متفاوتی باشند، بهتر است از طرح نمونه‌گیری اصلاح شده‌ای به نام نمونه‌گیری با احتمال متناسب با حجم استفاده کنیم. این طرح نمونه‌ای به دست می‌دهد که در آن هر عنصر برای انتخاب شدن شانس مساوی دارد. شانس هر خوشه نیز برای انتخاب شدن متناسب با حجم آن است (بی، 1385: 461-462). در این تحقیق هر یک از محله‌های شهر متناسب با جمعیتش، تعدادی نمونه به آن اختصاص پیدا کرده است. کل شهر به خوشه‌هایی تقسیم شده و در هر خوشه متناسب با حجم تعدادی پرسشنامه تکمیل شده است. به منظور حصول میزان پایایی پرسشنامه از روش هماهنگی درونی گویه‌ها که با استفاده از روش آلفای کرونباخ صورت گرفته، استفاده شده است. بدین منظور با حذف گویه‌های نامناسب ابزار نهایی با ضریب آلفای بالای 0/7 به دست آمده است. در این پژوهش ضریب پایایی متغیر امنیت اجتماعی 0/909 و متغیر نگرش عمومی به پلیس 0/891 می‌باشد. جدول 2 میزان ضرایب آلفای کرونباخ را نشان می‌دهد:

جدول 2. ضرایب آلفای کرونباخ محاسبه شده برای پایایی متغیرها

متغیر	ضریب آلفای کرونباخ
امنیت اجتماعی	0/909
نگرش عمومی به پلیس	0/891

یافته‌های پژوهش

برای استفاده از آزمون‌های پارامتریک، پیش شرط‌هایی وجود دارد که عبارتند از: شرط نرمال بودن داده‌ها، و شرط تصادفی بودن داده‌ها. شرط اول برای کلیه داده‌ها بایستی مورد استفاده قرار گیرد،

¹ - Questionnaire

² - Probability Proportionate to Size

اما شرط دوم تنها برای داده‌های تاریخی (داده‌هایی که در طول زمان بدست آمده - مانند تحلیل‌های رگرسیون زمانی) مورد استفاده قرار می‌گیرد. بنابراین از این آزمون برای بررسی شرط مورد نظر استفاده شده و جهت بررسی نرمال بودن عامل‌ها از آزمون تک نمونه‌ای کلموگروف - اسمیرنوف به قرار زیر استفاده شده است.

جدول 3. آزمون کلموگروف - اسمیرنوف برای تعیین نرمال بودن متغیرهای سازه

مؤلفه‌های پژوهش	امنیت اجتماعی	نگرش عمومی به پلیس
مقادیر کلموگروف - اسمیرنوف	1/356	1/108
سطح معناداری (دو دامنه)	0/051	0/171
تعداد	402	400

با توجه به جدول 3 می‌توان نتیجه گرفت که چون مقادیر سطح معناداری کلیه متغیرهای پژوهش بیشتر از 0/05 می‌باشند پس می‌توان گفت که متغیرها از توزیع نرمال برخوردار هستند و می‌توان در تحلیل فرضیه‌های پژوهش، آزمون‌های پارامتریک را به کار گرفت.

آزمون فرضیه‌ها

فرضیه اصلی: بین نگرش مردم به پلیس و امنیت اجتماعی رابطه معنادار آماری وجود دارد. برای آزمون فرضیه فوق، با توجه به فاصله‌ای بودن هر دو متغیر مستقل و وابسته، از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. یافته‌ها به شرح زیر می‌باشد:

جدول 4. آزمون همبستگی نگرش عمومی به پلیس با امنیت اجتماعی

متغیر	میانگین	ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری
نگرش عمومی به پلیس	10/04	0/512	0/001
احساس امنیت اجتماعی	70/59		

جدول 4، نتایج حاصل از بررسی رابطه نگرش عمومی به پلیس با احساس امنیت اجتماعی را نشان می‌دهد. یافته‌ها حاکی از آن است که، مقدار همبستگی برای نگرش عمومی به پلیس با احساس امنیت برابر با 0/512 بوده است. با توجه به این که سطح معنی‌داری آزمون برای نگرش عمومی به پلیس کمتر از 0/05 است، بنابراین در سطح معناداری 95٪ فرضیه پذیرفته می‌شود و می‌توان

گفت بین نگرش عمومی به پلیس با امنیت اجتماعی رابطه معناداری برقرار می‌باشد. همچنین با توجه به شدت همبستگی بدست آمده ما که برابر با 0/512 است، لذا جهت رابطه همبستگی، مستقیم و مثبت است. به این معنا که با بالا رفتن و بهتر شدن نگرش عمومی به پلیس، میزان احساس امنیت مردم نیز بالا می‌رود. شدت رابطه، نشان از یک رابطه‌ی نسبتاً قوی بین این دو متغیر می‌دهد. لذا بر این اساس فرضیه اصلی پژوهش تأیید می‌شود.

جدول دوبعدی این رابطه و آزمون تعقیبی کندال تا او بی در ادامه برای صحت گذاشتن بر آزمون پیرسون آمده است:

جدول 5. جدول دوبعدی امنیت اجتماعی بر حسب نگرش به پلیس

مستقل وابسته	نگرش عمومی به پلیس					کل
	بسیار کم	کم	متوسط	قوی	بسیار قوی	
بسیار کم	36/6%	27/9%	4/3%	0/0%	0/0%	12/3%
کم	48/8%	27/9%	32/1%	11/7%	3/8%	27/8%
متوسط	14/6%	31/5%	46/3%	36/7%	30/8%	36/5%
زیاد	0/0%	16/2%	16/0%	36/7%	11/5%	17/3%
بسیار زیاد	0/0%	0/0%	1/2%	15/0%	53/8%	5/2%
کل	100/0%	100/0%	100/0%	100/0%	100/0%	100/0%

در جدول فوق متغیرهای امنیت اجتماعی و نگرش عمومی به پلیس که در سطح فاصله‌ای بودند به سطح ترتیبی تبدیل شده و یک جدول تقاطعی برای آن‌ها ساخته شده است. جدول 5 حکایت از آن دارد که 36/6 درصد از کسانی که نگرش عمومی آن‌ها به پلیس در حد بسیار ضعیف بوده است، احساس امنیت بسیار کم داشته‌اند. از طرف دیگر 53/8 درصد از کسانی که نگرش عمومی به پلیس بسیار قوی داشته‌اند، احساس امنیت اجتماعی بسیار بالایی را نیز تجربه کرده‌اند. این دو عدد خود گویای وجود رابطه‌ی قوی هستند با این حال آماره کندال تا او بی نیز با توجه به این که سطح معناداری آماری کمتر از 0/05 است، وجود رابطه را تأیید می‌کند.

جدول 6. آزمون کندال تا او بی برای گرایش به پلیس و امنیت اجتماعی

آماره	مقدار همبستگی	سطح معنی‌داری
کندال	0/415	0/000

فرضیه 2: بین میزان اعتماد مردم به پلیس و امنیت اجتماعی رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

جدول 7. آزمون همبستگی اعتماد مردم به پلیس با امنیت اجتماعی

آماره	ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری
ضریب همبستگی پیرسون	0/432	0/001

جدول 7 نتایج حاصل از بررسی رابطه اعتماد مردم به پلیس با امنیت اجتماعی را نشان می‌دهد. یافته‌ها حاکی از آن است که، مقدار همبستگی برای اعتماد مردم به پلیس با امنیت اجتماعی برابر با 0/432 بوده است. با توجه به اینکه سطح معنی‌داری آزمون برای اعتماد مردم به پلیس کمتر از 0/05 است بنابراین در سطح معناداری 95٪ فرضیه پذیرفته می‌شود و می‌توان گفت بین اعتماد مردم به پلیس با امنیت اجتماعی رابطه معناداری برقرار می‌باشد. جهت رابطه مستقیم و شدت رابطه در حد متوسط است.

فرضیه 3: بین رضایت مردم از عملکرد پلیس و امنیت اجتماعی رابطه‌ی معنادار آماری وجود دارد.

جدول 8. آزمون همبستگی رضایت مردم از عملکرد پلیس با امنیت اجتماعی

آماره	ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری
ضریب همبستگی پیرسون	0/497	0/001

جدول 8، نتایج حاصل از بررسی رابطه رضایت مردم از عملکرد پلیس با احساس امنیت اجتماعی را نشان می‌دهد. یافته‌ها حاکی از آن است که، مقدار همبستگی برای رضایت مردم از عملکرد پلیس با امنیت اجتماعی برابر با 0/497 بوده است. با توجه به اینکه سطح معنی‌داری آزمون رضایت مردم از عملکرد پلیس کمتر از 0/05 است بنابراین در سطح معناداری 95٪ فرضیه پذیرفته می‌شود و می‌توان گفت بین رضایت مردم از عملکرد پلیس با احساس امنیت اجتماعی رابطه معناداری برقرار می‌باشد. جهت رابطه مستقیم و شدت رابطه نسبتاً قوی است.

فرضیه 4: بین نگرش مردم به سرعت دسترسی مردم به پلیس در شرایط اضطراری و امنیت اجتماعی رابطه‌ی معنادار آماری وجود دارد.

جدول 9. آزمون همبستگی دسترسی پذیری پلیس با امنیت اجتماعی

آماره	ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری
ضریب همبستگی پیرسون	0/401	0/001

جدول 9 نتایج حاصل از بررسی رابطه سرعت دسترسی مردم به پلیس با احساس امنیت اجتماعی را نشان می‌دهد. یافته‌ها حاکی از آن است که مقدار همبستگی برای سرعت دسترسی مردم به پلیس با امنیت اجتماعی برابر با 0/401 بوده است. با توجه به اینکه سطح معنی‌داری آزمون برای سرعت دسترسی مردم به پلیس کمتر از 0/05 است بنابراین در سطح معناداری 95٪ فرضیه پذیرفته می‌شود و می‌توان گفت بین سرعت دسترسی مردم به پلیس با امنیت اجتماعی رابطه معناداری برقرار می‌باشد. جهت رابطه مستقیم و شدت رابطه در حد متوسط است. فرضیه 5: بین نگرش مردم به پاسخگویی پلیس و امنیت اجتماعی رابطه‌ی معنادار آماری وجود دارد.

جدول 10. آزمون همبستگی پاسخگویی پلیس با امنیت اجتماعی

آماره	ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری
ضریب همبستگی پیرسون	0/383	0/001

جدول 10 نتایج حاصل از بررسی رابطه متغیرهای پاسخگویی پلیس با امنیت اجتماعی را نشان می‌دهد. یافته‌ها حاکی از آن است که، مقدار همبستگی برای پاسخگویی پلیس با امنیت اجتماعی برابر با 0/383 بوده است. با توجه به اینکه سطح معنی‌داری آزمون برای پاسخگویی پلیس کمتر از 0/05 است، بنابراین در سطح معناداری 95٪ فرضیه پذیرفته می‌شود و می‌توان گفت بین پاسخگویی پلیس با امنیت اجتماعی رابطه معناداری برقرار می‌باشد. جهت رابطه مستقیم و مثبت و شدت رابطه در حد متوسط است.

بحث و نتیجه‌گیری

وجود امنیت اجتماعی در هر اجتماعی، به ویژه در شهرهای بزرگ از امتیازات حیاتی و اساسی آن محسوب می‌شود به همین سبب این مفهوم از مهمترین مؤلفه‌های کیفیت زندگی و از محورهای توسعه پایدار می‌باشد. وجود امنیت باعث شکلگیری احساس امنیت اجتماعی در میان افراد جامعه می‌گردد و بدیهی است که نیروی پلیس به واسطه نقش حیاتی خود می‌تواند مستقیماً بر ایجاد امنیت و احساس امنیت نقش داشته باشد. پلیس اگر جامعه محور باشد و بطور مداوم و مکرر، کارآمدی و قابلیت خود را از نظر اعتماد، سرعت عمل، سرعت دسترسی، عملکرد و پاسخگویی، به مردم جامعه اثبات کرده باشد، نگرشی که از خود در میان افراد جامعه شکل می‌دهد مناسب خواهد بود و با چنین نگرشی احساس امنیت در جامعه شکل می‌گیرد. بنابراین کارآمدی پلیس، نگرش

مردم به پلیس، امنیت و احساس امنیت در رابطه‌ای متقابل باهم قرار می‌گیرند که هر کدام می‌توانند همدیگر را تقویت و یا تضعیف کنند.

فرضیه اصلی این تحقیق، نگرش عمومی به پلیس را با امنیت اجتماعی در رابطه قرار می‌دهد. نگرش عمومی به پلیس خود از چهار مؤلفه تشکیل شده که هر یک خود در قالب فرضیه‌ای مستقل با امنیت اجتماعی در ارتباط قرار گرفته است. این مؤلفه‌ها شامل این موارد هستند: اعتماد به پلیس، رضایت مردم از عملکرد پلیس، سرعت دسترسی مردم به پلیس در شرایط اضطراری و پاسخگویی پلیس. رابطه‌ی همه این مؤلفه‌ها با متغیر امنیت اجتماعی معنادار و با جهت مستقیم است. به این معنی که هرچه اعتماد مردم به پلیس بیشتر، میزان احساس امنیت اجتماعی آن‌ها نیز بالاتر؛ هرچه عملکرد پلیس برای مردم بهتر، میزان احساس امنیت اجتماعی آن‌ها بالاتر؛ هرچه سرعت دسترسی مردم به پلیس در شرایط اضطراری بالاتر، میزان احساس امنیت اجتماعی آن‌ها بالاتر، و هرچه از نظر مردم پلیس پاسخگوتر بوده، میزان احساس امنیت اجتماعی آن‌ها نیز بالاتر بوده است. شدت هر یک از این شاخص‌ها نیز در حد متوسط، قوی و بسیار قوی است. با جمع این مؤلفه‌ها متغیر نگرش عمومی به پلیس ساخته می‌شود و به صورت یک فرضیه اصلی به این شکل طراحی شده است: بین نگرش به پلیس و امنیت اجتماعی رابطه معنادار آماری وجود دارد. این فرضیه نیز با جهت مستقیم و شدت قوی تأیید شد که نشان داد نگرش مثبت به پلیس از طرف شهروندان باعث احساس امنیت اجتماعی بیشتر آن‌ها نیز می‌شود و این نتیجه با نتیجه تحقیقات طاهری و همکاران (1391) و نائب پور و همکاران (1393) همسو است.

در تحلیل این رابطه می‌توان گفت وجود امنیت از مهمترین نیازهای جامعه بشری است و در هر کشوری پلیس یکی از مهمترین ارکان تأمین امنیت اجتماعی مردم است. حل چالش‌های امنیتی و مقابله با آن مستلزم دو وجه سلبی و ایجابی پلیس در وظایف خود است. در وجه سلبی، راه بر خلافکاران سارق، اراذل و اوباش، قانون شکنان و قانون گریزان با اتخاذ تدابیر مناسب می‌بندد و وجه ایجابی آن، به کارگیری استراتژی جامعه محور بودن پلیس است به این معنی که پلیس باید مشارکت مردم را در تأمین امنیت جلب کند. جلب مشارکت نیز در گرو آن است که بین مردم و پلیس فاصله‌ای وجود نداشته باشد، مردم پلیس را از خود بدانند و پلیس نیز در مرحله اول خود را از مردم بدانند و همواره برای مردم، در دسترس مردم و در خدمت مردم باشد وجود پلیس در جامعه، نه احساس ترس و تهدید بلکه باید احساس امنیت، آرامش و اعتماد را در افراد ایجاد کند. بدیهی است هر چه پلیس این نقش خود را بهتر به انجام برساند، مردم یک جامعه نگرش بهتری به پلیس خواهند داشت. این وضعیت بستر مناسبی خواهد ساخت هم برای موفقیت پلیس در رسالت اصلی خود و هم برای نگرش مثبت مردم به پلیس و به تبع آن احساس امنیت و آرامش مردم. بنابراین چرخه‌ای

شکل می‌گیرد که در یک رابطه متقابل همدیگر را منتفع می‌کنند. در تحقیق حاضر شواهد توصیفی و تبیینی نشان داد که افرادی که نگرشی ضعیف به پلیس دارند، احساس امنیت اجتماعی آن‌ها نیز پایین و کسانی که نگرش آن‌ها به پلیس مطلوب بود احساس امنیت اجتماعی بالاتری نیز داشتند و این رابطه، اهمیت جامعه‌محور بودن پلیس را نشان می‌دهد. بنابراین باید به دنبال راه‌کارهایی بود که این رابطه تقویت شود تا بتوان ضریب امنیت را در جامعه بالا برد و جامعه‌ای هرچه با نشاط‌تر و شاداب‌تر شکل داد.

تعامل مؤثر مردم و پلیس و عنایت به یک پلیس مقتدر، هوشمند و جامعه‌محور، نقش مهمی در تضمین امنیت جامعه به طور عام و محلات شهری به طور خاص دارد. کاری که پلیس باید در صدد انجام آن باشد را می‌توان به شرح زیر برشمرد: شناسایی نقاط داغ و کانون‌های جرم‌خیز و کنترل همه جانبه این مناطق، تجزیه و تحلیل داده‌های تاریخی جرم از نظر مکانی و زمانی برای برنامه‌ریزی، تحول در ابزار و به‌روز کردن وسائل انجام وظیفه، رسیدگی مناسب و سریع به مسائل اساسی و خواسته‌های شهروندان در ادارات پلیس، حضور به موقع در محل حادثه و محل جرم برای اطمینان بخشی به مردم، انجام عملیات به گونه‌ای که موجبات آرامش خاطر عمومی را فراهم سازد، حرفه‌ای شدن و پاسخگو بودن، ایجاد تغییر در تاکتیک‌های سنتی و احیاناً ناکارآمد و جایگزینی آن‌ها با استراتژی‌های جدید و کارآمد، استفاده روز افزون از فن‌آوری اطلاعات برای تسریع خدمات انتظامی و آسان کردن ارتباطات مردمی، تغییر از تأکید صرف بر رویکرد سلبی و تهدید محور به رویکرد ایجابی و اجتماع محور، پرورش نیروی انسانی و کادر مجرب، متعهد و متخصص، شجاع و ورزیده، تأکید روی ویژگی پیشگیرانه و بازدارندگی به معنای برنامه‌ریزی پلیس برای به حداقل رساندن فرصت ارتکاب جرم، سهمیم کردن شهروندان در حفظ امنیت اجتماعی با توزیع وظایف بین افراد جامعه و نهایتاً جامعه‌محور کردن هرچه بیشتر این سازمان مهم. لذا این خود پلیس است که با عملکرد خوب خود در هر جامعه‌ای می‌تواند نگرش شهروندان را به خود مثبت سازد. در هر جامعه‌ای پلیس هر چقدر اقتدار بیشتری داشته باشد، امنیت بیشتری را برقرار کند، در خدمت شهروندان و افراد جامعه باشد، مردم بتوانند در شرایط خاص روی پلیس حساب کنند و دیدن پلیس برای آن‌ها نه احساس ترس بلکه احساس امنیت فراهم کند، تبدیل به نهادی کارآمد و قابل اتکا برای مردم و باعث افزایش مقبولیت اجتماعی آن‌ها می‌شود. دولتمردان در سطوح دولت و مجلس نیز باید توجه ویژه‌ای به مشکلات و دغدغه‌های مادی و مالی نیروهای پلیس داشته باشند تا هم با فراغ بال و آسودگی خیال به وظایف خود بپردازند و هم راه بر مفسده‌های احتمالی از جمله فساد اداری بسته شود.

مردم نیز متقابلاً وظایفی بر عهده دارند که عبارتند از: تلاش برای بهبود اعتماد عمومی به پلیس، همکاری با پلیس در زمینه پاک‌سازی محله از حضور سارقان و خلافکاران، مشارکت فعال در مبارزه با جرم و همکاری فعالانه با پلیس در فرایندهای امنیتی محله برای مهار و کنترل جرم، تعامل با پلیس برای کاهش ارتکاب جرم و متلاشی کردن باندهای کوچک و بزرگ بزهکاری در سطح جامعه و در نهایت آنچه که بیش از همه از شهروندان انتظار می‌رود احترام به قانون، رعایت قوانین و ترغیب دیگران به قانونمندی است.

منابع و مآخذ

- افرا، هادی. (1402). فراتحلیل عوامل مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی زنان. *نشریه برنامه ریزی رفاه و توسعه انسانی*، دانشگاه علامه طباطبایی، انتشار آنلاین تابستان.
- اورتمایر، پی، جی؛ میس، ادوین. (1385). *رهبری، امور اخلاقی و امور پلیس: چالش‌های پیش روی پلیس در قرن بیست و یکم*. ترجمه حسین شاکری، انتشارات پژوهشگاه علوم انتظامی و مطالعات اجتماعی ناجا.
- بی، ارل. (1385). *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*. ترجمه رضا فاضل، جلد اول، تهران: انتشارات سمت.
- بنی فاطمه، حسین و عزیززاده اقدم، محمد باقر و صبوری، ربابه. (1395). بررسی احساس امنیت اجتماعی زنان شاغل در سازمانها و ادارات دولتی شهر تبریز و عوامل مرتبط با آن. *پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی*، 5(12)، 29-46.
- بوزان، باری. (1378). *مردم، دولت‌ها و هراس*. تهران: انتشارات مطالعات راهبردی.
- بیکر، ترز، ال. (1377). *نحوه انجام تحقیقات اجتماعی*. ترجمه هوشنگ نائبی، تهران: انتشارات روش.
- بیات، بهرام و بهرامی، مهدی. (1388). پلیس در آینه نگرش شهروندان. *فصلنامه دانش انتظامی*، 10 (3 و 4).
- پاشاشریفی، حسن. (1381). *اصول روانسنجی و روان آزمایی*. تهران: رشد، چاپ هشتم.
- ترویانوویچ، رابرت و همکاران. (1383). *پلیس جامعه محور*. برگردان گروه ترجمه مرکز مطالعات و تحقیقات کاربردی طرح و برنامه، انتشارات فرات.
- حاجیانی، ابراهیم. (1384). *چارچوب روش‌شناختی برای بررسی احساس امنیت*. *فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی*، تهران: انتشارات معاونت اجتماعی ناجا، چاپ اول.

- دواس، دی. ای. (1383). **پیمایش در تحقیقات اجتماعی**. ترجمه هوشنگ نائبی، چاپ پنجم، تهران: نشر نی.
- ربیعی، علی. (1383). **مطالعات امنیت ملی**. تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه.
- روشندل، جلیل. (1384). **امنیت ملی و نظام بین الملل**. تهران: انتشارات سمت.
- زیاری، کرامت‌الله؛ رجایی، سیدعباس؛ پوراحمد، احمد؛ بیگدلی، نورالله. (1401). **الگوی امنیت اجتماعی در شهرهای قومیتی (مطالعه موردی شهر رامهرمز)**. **نشریه علمی انتظام اجتماعی**، 14 (1)، 66-31.
- ستوده، هدایت‌اله. (1380). **درآمدی بر روانشناسی اجتماعی**. تهران: آوای نور، چاپ سوم.
- صدیق سروسستانی، رحمت‌اله و قهرمانی، علی‌اکبر. (1381). **بررسی نگرش دانش آموزان شهر تهران به نیروی انتظامی**. 1 (1)، 59-39.
- طاهری، زهرا؛ ربانی، رسول و ادیبی سده، مهدی. (1391). **رابطه نقش پلیس و احساس امنیت در شهر اصفهان**. **فصلنامه پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی**، 1 (1)، 38-21.
- کریمی، یوسف. (1388). **نگرش و تغییر نگرش**. تهران: نشر ویرایش.
- کلمنتس، کوین. (1384). **به سوی یک جامعه امن**. ترجمه‌ی محمدعلی قاسمی، انتشارات **مطالعات راهبردی**، 15 (2)، 53-44.
- گلشن فومنی، محمد رسول و همکاران. (1394). **عوامل اجتماعی مؤثر بر نگرش عمومی به پلیس (مورد مطالعه: شهروندان شهر تهران)**. **نشریه مطالعات امنیت اجتماعی**، 43 (43)، 139-113.
- گیدنز، آنتونی. (1378). **تجدد و تشخیص**. ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.
- نائب‌پور، محمد؛ ویسیان، محمد؛ اصغری، آزاد؛ محمدی حمیدی، سمیه. (1393). **نقش پلیس در احساس امنیت اجتماعی پایدار (مطالعه موردی: شهر دهگلان)**. **پژوهشنامه جغرافیای انتظامی**، 2 (8)، 96-77.

References

- Brauch, H. G., & Bagordi, J. (2005). *Threats, challenges, vulnerabilities, and risk in environmental and human security*. United Nations University, Institute for Environment and Human Security.
- Buzan, B., & Weaver, O. (1998). *Liberalism and security: The consideration of the liberal Leviathan*. Copenhagen Research Institute.
- Jesus, M., Puleo, E., Shelton, R. C., & Emmons, K. M. (2010). *Associations between perceived social environment and neighborhood safety: Health implications*. *Health & Place*, 16(5), 1007-1013.

- Lindestrom, M., Merio, J., & Ostergren, P.-O. (2003). Social capital and sense of insecurity in the neighbourhood: A population-based multilevel analysis in Malmo, Sweden. *Social Science & Medicine*, 5.
- Lubava, J., & Mtani, A. (2004). Urban space and security: A case of the Dar es Salaam - Safety audits for women Dar es Salaam, Tanzania. 7, 13-17.
- McKay, A. (2005). *The future of social security policy*. London: Routledge.
- Midgley, J., & Tang, K. (2008). *Social security: The economy and development*. Palgrave Macmillan.
- Mitar, M. (1996). *Assessment of societal security in recent past and today*. College of Police and Security Studies, Slovenia.
- Moller, B. (2005). *The United Nations as a security political actor with a special focus on Africa*.
- Weaver, O. (1993). *Securitization and desecuritization*. Centre for Peace and Conflict Research Press.